

بررسی تطبیقی تأثیر دعا بر گرایش‌های متعالی انسان از نظر شیعه و مذهب کاتولیک

ali1945reza@gmail.com

مهاجر مهدوی راد / کارشناس ارشد ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام
دریافت: ۹۵/۱۰/۹ - پذیرش: ۹۶/۳/۳۱

چکیده

دعا در مذهب شیعه و کاتولیک جایگاه ویژه‌ای دارد. اهمیت دعا در این دو مذهب و آثار سازنده آن و نقش مهم گرایش‌ها در نیل به کمال از یک سو، و اهمیت بحث تطبیقی بین این دو مذهب از سوی دیگر، نویسنده را بر آن داشت که به بررسی تأثیر دعا بر گرایش‌ها، که یکی از ساحت‌های وجودی بشر است، از نظر شیعه و کاتولیک بپردازد و وجوه تشابه و تمایز بین آنها را بیان نماید. روش بحث توصیفی - تحلیلی است. دعای شیعه خواندن خدا و میل و رغبت به اوست. کمال نهایی شیعی قرب الهی است. دعای کاتولیک صعود ذهن به سوی خدا و طلب امور خیر است و کمال کاتولیکی تشبه به مسیح. دعا با تأثیر بر گرایش‌های متعالی انسان زمینه‌ساز نیل به کمال است. به فعلیت رساندن کمال طلبی، حقیقت‌جویی، و خداجویی از جمله وجوه اشتراک این دو مذهب، و محوریت معرفت‌بخشی روح‌القدس، اعطایی بودن محبت و امید، تأکید بر فرزندى خدا و امید در دعای کاتولیک؛ و نیز تمرکز بر معرفت‌بخشی از طریق محتوا به‌عنوان زمینه گرایش‌ها، اکتسابی بودن محبت و امید، تأکید بر عبودیت انسان، و توازن بین خوف و رجا در دعای شیعی، از جمله وجوه افتراق تأثیر دعا بر گرایش‌ها از نظر شیعه و کاتولیک است.

کلیدواژه‌ها: دعا، کمال، گرایش، شیعه، کاتولیک.

مقدمه

خویش به وسیله صدا و کلام (مصطفوی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۷۹) است. در اصطلاح شیعه، خواندن خدا و به سوی او میل و رغبت پیدا کردن و با او رابطه برقرار کردن است (امینی، ۱۳۹۰)، اعم از آنکه متعلق این خواندن و غرض دعاکننده ستایش خدا یا عرض حاجت یا نیاز (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۵۷) و یا هر امر دیگری باشد.

کمال هر موجود صورت نوعی و فعلیت اخیری است که آن موجود اقتضای آن را دارد (عبداللهی، ۱۳۹۰، ص ۳۴). بدین روی، کمال نهایی انسان آخرین مرتبه کمالات ثانوی یا آخرین فعلیت انسانی است (صدرالمآلهین، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۸۱). کمالی که انسانیت انسان اقتضای آن را دارد، این کمال اخیر قرب الهی است و در متون دینی با عنوان‌های گوناگونی از جمله، «فلاح» (مؤمنون: ۱)، «فوز» (توبه: ۱۰۰)، «زلفی» (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۲۲۴)، و «سعادت» (هود: ۱۰۸) مطرح شده است. این کمال همچنین امری اختیاری است (انسان: ۳) و در سایه اراده انسان تحقق می‌یابد (نراقی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۷۴). از این رو، کمال انسان متوقف بر مقدمات عمل اختیاری است که مثلث «میل و آگاهی و قدرت» را تشکیل می‌دهد (مصباح، ۱۳۷۸، ص ۴۲۹) و رسیدن به کمال انسانی متوقف بر فعلیت و کمال یافتن حوزه‌های بینش، کنش و رفتار است.

به منظور تبیین نقش دعا در کمال انسان، باید نقش دعا را در سه حوزه «بینش، گرایش و کنش» بررسی کرد. اما از آنجاکه بررسی نقش دعا در هر سه حوزه خارج از حوصله این نوشتار است، در اینجا، تأثیر دعا را بر عمده‌ترین و مهم‌ترین عامل تعالی انسان - یعنی گرایش‌ها که نقش محرک را به سوی کمال ایفا می‌کنند (همان) - بررسی می‌کنیم.

اهمیت گرایش‌ها در رسیدن به کمال، از آن نظر است که رسیدن به کمال اختیاری از راه اراده محقق می‌شود، و در واقع، اراده تبلور میل و گرایش فطری است؛ به این معنا که هیچ‌وقت اراده‌ای نمی‌کنیم، مگر اینکه میلی برانگیخته شده باشد (مصباح، ۱۳۷۸، ص ۴۲۱).

دعا در ادیان، نقش و جایگاه مهمی دارد. در میان ادیان گوناگون، اسلام و مسیحیت بر مسئله دعا تأکیدی ویژه دارند، به گونه‌ای که در روایات شیعی، دعا مخ عبادت، و در مذهب کاتولیک، به عنوان حاصل سر عظیم، یعنی در بردارنده عقاید اصلی کلیسا تلقی شده است. دعا دارای آثاری در زمینه پرورش و کمال روحی انسان است. دعا بر سه ساحت وجودی اصلی انسان، که بینش و گرایش و عمل است، تأثیر قابل توجهی دارد از میان این ساحت‌ها، گرایش‌ها نقش عمده و محرک دارد. از این نظر، در بررسی نقش دعا بر کمال انسان، این مقاله به بررسی «نقش دعا در امیال و گرایش‌ها» می‌پردازد. اهمیت دعا در تعالی انسان و نیز اهمیت نقش گرایش‌ها در کمال اختیاری انسان از یک سو، و لزوم گفت‌وگوی بین ادیان، به ویژه بین اسلام و کاتولیک، که پیروان فراوانی در جهان دارند، از سوی دیگر، بررسی نقش دعا بر گرایش‌ها از منظر شیعه و کاتولیک و بیان وجوه اشتراک و افتراق آن را ضرورت می‌بخشد. دعا پژوهی در شیعه، در آثار گوناگونی از جمله شرح دعای سحر، اثر امام خمینی؛ نیایش از دیدگاه عقل و نقل، اثر ممدوحی؛ نیایش عارفان، اثر فنایی اشکوری؛ و سجاده‌های سلوک، اثر آیت‌الله مصباح و کتاب‌های دیگر به شکل عام مطرح شده است. به شکل خاص هم می‌توان به مقاله «حقیقت دعا و نیایش در ادیان»، اثر غلامرضا اکرمی، پایان‌نامه «مقایسه و تحلیل مضمون ادعیه مسیحی و ادعیه اسلامی با تأکید بر مزامیر و صحیفه سجاده» اثر قربانی اشاره کرد. در حوزه کاتولیک نیز می‌توان به کتاب الصلاة فی الحیاة، اثر جان لافرانس، کتاب نماز کاتولیک، (جلد ۳۹ کتاب جامع الهیات آکونیناس) اشاره کرد که به مسئله دعا پرداخته است. اما با وجود مباحث مطرح شده، بحث تطبیقی در نقش دعا بر امیال و گرایش‌های متعالی انسان و وجوه افتراق و اشتراک آن از نگاه شیعه و کاتولیک مطرح نشده است. این تحقیق به شکل تطبیقی، به نقش دعا بر امیال فطری از نظر شیعه و کاتولیک پرداخته، وجوه اشتراک و افتراق را بررسی کرده و در نهایت، به جمع‌بندی رسیده است.

نقش دعا در گرایش‌ها از نظر شیعه

«دعا» در لغت، به معنای خواندن و حاجت خواستن و استمداد (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۴۴) و متوجه کردن شیء به سوی

تأثیر دعا بر گرایش‌های انسان

۱. کمال طلبی

با مراجعه به درون خویش، بالوجدان گرایشی را می‌یابیم که ما را

عالمان، وقار برای سال‌خوردگان، توبه برای جوانان، عفت برای بانوان، تواضع برای اغنیاء، و صبر برای فقیران (کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۴۹-۳۵۰). در نهایت، به کمال نهایی و حقیقی که انقطاع از غیر خدا و پیوستن به او (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۸۷) و لقای الهی (همان، ص ۶۸۶) و همان قرب به حضرت حق است رهنمون می‌شود و با بیان مصداق‌های کمال، افق جدیدی پیش‌روی شخص نیایشگر قرار می‌گیرد و با ایجاد معرفت نسبت به این کمال‌ها، میل و انگیزه کمال‌طلبی انسان تحت تأثیر این معرفت‌ها تحریک شده، از این طریق، میل به کمال، به‌سوی کمال مطلق جهت‌دهی می‌شود و زمینه حرکت به‌سوی کمال مطلق را در شخص فراهم می‌سازد.

۲. خداجویی

فطرت انسانی به‌گونه‌ای است که به‌سوی خداوند متعال گرایش دارد (روم: ۳۰؛ اعراف: ۱۷۲)؛ گرایشی که انسان را به‌سوی شناخت و پرستش خداوند رهنمون می‌شود. (مصباح، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۷). فرد نیایشگر با توجه به این کشش به‌سوی معبود و احساس میل به کرنش و تذلل در برابر موجود کامل مطلق، که معبود اوست، در جست‌وجوی راهی برای تأمین این میل درونی و پاسخ‌گویی به آن است. شناخت خدا و عبودیت در برابر او تنها تأمین‌کننده و پاسخ‌گوی این نیاز اصیل فطری است. دعا، که خود عبادت (غافر: ۴۰)، بلکه افضل عبادات (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۱) و به فرموده پیامبر ﷺ مخ عبادت (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۷) است، از یک‌سو زمینه شناخت خدا (ر.ک: صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۲۸) و اسما و صفات او (ر.ک: کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص ۴۰۲-۴۱۸) را فراهم می‌آورد، و موجب می‌شود آن خداشناسی اجمالی فرد، که به‌وسیله خداجویی فطری تحریک می‌شود، در نیایشگر توسط دعای مأثور، به شناخت عمیق‌تر و تفصیلی‌تر تبدیل شود. برای مثال، دعای جوشن کبیر از صفات و اسمای الهی شروع می‌شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا مُقِيمُ يَا عَظِيمُ يَا قَدِيمُ يَا عَلِيمُ يَا حَلِيمُ يَا حَكِيمُ» (کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص ۴۰۲). در طول دعا، به اسما و صفات خداوند به شکل مفصل می‌پردازد و به صفات ذاتی، از قبیل علم و حیات و قدرت و اراده را ذکر می‌کند و دامنه اسما و صفات را به فعل می‌کشاند و درواقع، دائرة المعارف کاملی از اسما و صفات الهی در این دعا مطرح می‌شود (همان، ص ۴۰۲-۴۱۱).

به‌سوی کمال و تحقق آن در خود می‌کشاند. این همان «کمال‌طلبی» و از جمله فطرت‌هایی است که همه انسان‌ها بر آن سرشته شده‌اند (موسوی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۲). علاوه بر کمال‌طلبی، میل روح به کمال در هیچ حدی متوقف نمی‌شود و پویایی به‌سوی بی‌نهایت است (مصباح، ۱۳۸۴، ص ۳۳۴). این گرایش به کمال مطلق، فطری انسان است (طباطبائی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۴۵) که در رأس کمال‌طلبی قرار دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲، ص ۵۰) و مصداق آن خداوند متعال است که کمال لایتناهی است (مصباح، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۵۸). این گرایش موجب تحریک انگیزه عمیقی از درون انسان به‌سوی کمال و نیز حرکت به‌سوی کمال مطلق می‌شود.

تأثیر دعا و مناجات در تأمین این میل بدین شکل است که خداوند می‌فرماید: «مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم» (غافر: ۶۰). در این مرحله، فرد متوجه می‌شود قدرتی وجود دارد که انسان می‌تواند هرچه را کمال می‌داند از او در قالب دعا درخواست کند. ممکن است فرد در ابتدا، مصداق‌هایی از کمال‌های مادی را مدنظر داشته باشد و به نیت برآورده شدن کمال مادی و ظاهری، که خود می‌پندارد، به دعا کردن مبادرت ورزد. این مرحله - درواقع - ناظر به پایین‌ترین سطح ارضای میل کمال‌طلبی است.

علاوه بر آیات، روایات فراوانی که در زمینه دعا کردن و استجاب آن مطرح شده در ابتدای امر، برای شخص می‌تواند گویای این رهاورد باشد که هرچه می‌خواهی از خدا بخواه که اینجا محل تأمین کمال‌ها و حاجت‌های توست؛ چنان که خدا به حضرت موسی ﷺ می‌فرماید: «ای موسی، هرچه به آن احتیاج داری، حتی علف چهارپایت و نمک خبیرت را از من طلب کن» (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۴). وقتی بنده به‌وسیله دعای مأثور با حضرت حق انس برقرار کرد، به تدریج، کمال‌های خود پنداشته مادی رنگ می‌بازد.

دعای شیعی کمال‌های متعالی را به انسان نشان داده، سطح و جهت خواسته او را تغییر می‌دهد؛ به این معنا که ابتدا فرامی‌گیرد همان حاجت‌های مادی را نیز برای همه بخواهد؛ حاجت‌هایی نظیر سیری همه گرسنگان، پوشش برهنگان، پرداخت قرض‌ها، برطرف شدن ناراحتی‌ها، شفای بیماران (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۱۷-۶۱۸) و با کمال‌های متعالی و مطلوب آشنا می‌شود؛ همچون طاعت و بندگی، دوری از معصیت، صدق نیت، هدایت، علم و معرفت به شکل عام و کمال مطلوب هر صنفی از انسان‌ها؛ از جمله: زهد برای

عامل قوی در بازدارندگی انسان از ارتکاب گناه (تحریم: ۶) و اصلاح نفس از رذایل (شعراء: ۸۸-۸۹) و ایجاد انگیزه برای عمل به واجبات و کسب فضایل معنوی است (صافات: ۶۱).

دعای شیعی به این نکته معرفتی و تعالی بخش توجه دارد و با توجه دادن نیایشگر در ضمن دعا به معاد و اینکه چه هول و شرایطی در پیش دارد: «مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا، أَيُّ الْأَهْوَالِ أَتَذَكَّرُ وَ أَيُّهَا أَنْسَى، وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْمَوْتُ لَكَفَى. كَيْفَ وَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ أَعْظَمُ وَ أَذْهَى» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۶۳) و نیز با اشاره به سكرات مرگ و شرایط عالم قبر «فَمَا لِي لَا أَبْكِي؟ أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي، أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي، أَبْكِي لِضَيْقِ لَحْدِي، أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ إِيَّايَ، أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي غُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثَقْلِي عَلَيَّ ظَهْرِي» (همان، ص ۷۲)، انسان را در ضمن مناجات، به تفکر در احوال قیامت واداشته، زمینه بیداری از غفلت را در شخص فراهم می کند و در نتیجه، نیایشگر به فکر مستعد شدن برای این عوالم می افتد که راه آن نیز تزکیه نفس و دوری از رذایل است (شمس: ۹-۱۰). دعا در ضمن تبیین چشم اندازی از جهان ابدی و حالات و اوصاف انسان در آن جهان، در زمینه این میل، معرفت افزایی کرده، بستری مناسب برای عمل به اقتضای این میل را فراهم می کند.

۵. شکر منعم

انسان در برابر لطف و نعمتی که از کسی می بیند، خود را مدیون دانسته، درصدد جبران و یا - دست کم - تشکر برمی آید: «الْمَعْرُوفُ غُلٌّ لَا يَفْكُهُ إِلَّا شُكْرٌ وَ مَكَاْفَاةٌ» (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۵۳). این میل در اعماق فطرت انسان ریشه دارد (مصباح، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۵۵-۲۵۶).

این انگیزه از جمله محرک های مهم و تأثیرگذار است که انسان را به انجام کار و عملی متناسب با شکر و سپاس گزاری سوق می دهد. فرد در ضمن نیایش، با الطاف و نعمت های الهی نسبت به خود آشنا می شود. امام سجاده^ع در دعای اول صحیفه سجادیه، خداوند را به خاطر اعطای نعمت هایش از جمله تصرف در طبیعت، لقمه پاک، نعمت زندگی (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۳۰) و نیز نعمت شناساندن خویش، راهنمایی به سوی توبه (همان، ص ۲۹-۳۰) شکر می کند. در دعا، از یک سو، نعمت لطف و عنایت خداوند در این دنیا (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۵۹)، از سوی دیگر، توجه دادن به عفو و بخشش خداوند نسبت به انسان (همان) را متذکر شده، میل و انگیزه شکر منعم

از رهگذر بیان اسما و صفات الهی در دعا، نیایشگر به شناخت عمیق تر و تفصیلی تر نسبت به خدا می رسد. از سوی دیگر، با دعا، که مغز عبادت هاست، به تذلل و کرنش و عبودیت نسبت به حضرت حق می پردازد. این تذلل و عبادت در برابر حضرت حق، میل اصیل خداپرستی فطری او را تأمین می کند.

۳. حقیقت جویی

یکی از گرایش های فطری انسان میل به حقیقت است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۸۰) که جزئی از حقیقت انسان است و در سرشت و نهاد انسان و اعماق هستی وی ریشه دارد (مصباح، ۱۳۸۴، ص ۲۵۱).

نیایشگر در مناجات و راز و نیاز با حضرت حق (حج: ۶)، که حقیقت مطلق (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۱۳۹) است، مواجه است. دعا شناخت هایی نسبت به خدا و اسما و صفاتش، مانند مولویت، مالک، عزیز، خالق، عظیم، قوی، غنی، دایم، هادی، غفور و غالب بودن (محمدبن جعفر، ۱۴۱۹ق، ص ۱۶۴-۱۶۷) به انسان می دهد. همچنین در قالب دعا، در زمینه شناخت حقیقت انسان، از جمله عبد، مملوک، ذلیل بودن، مخلوق، حقیر، ضعیف، فقیر، فانی، زایل، گم راه، متحیر، گناه کار، و مغلوب بودن (همان) معرفت کسب می کند. از سوی دیگر، در ضمن دعا، معرفت هایی نسبت به انسان کامل، مصادیق و ویژگی های آن ها (ر.ک: ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۴-۲۹۶) و عالم آخرت، از جمله احوال انسان در آن عالم (همان، ج ۱، ص ۷۲) و بیان حقایق دیگر ارائه می شود که انسان را با اصیل ترین حقیقت های عالم، از جمله ذات خداوند متعال و اسما و صفات او و شناخت انسان و انسان کامل و معاد آشنا کرده، میل حقیقت جویی انسان را ارضا می کند.

۴. بقا خواهی

یکی از گرایش های اصیل انسان میل به بقا و جاودانگی است که هر انسانی با مراجعه به خود، آن را درون خود می یابد؛ میلی که با توجه به آن و پاسخ گویی صحیح، در صورت تبیین و جهت دهی و عمل به اقتضای آن، می تواند انسان را به کمال برساند، و در صورت بی توجهی و افتناع آن در زمینه پاسخ گویی صحیح به آن، منجر به احساس سردرگمی می شود. توجه به مسئله مرگ و قیامت و آخرت